تریبون رسمی بسیج
دانشجویی دانشگاه تهران

صدای جمهور

ویژه‌نامه سیاسی

بهمن‌ماه ۱۴۰۲

مدیر مسئول: علیرضا صفری / سردبیر: اشکان معصوم / صفحه آرا: احمدرضا کاظمی

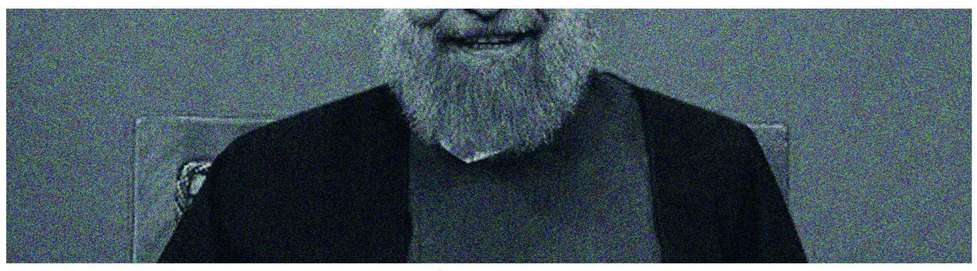

من هم بازی!!!

جریان‌شناسی سیاسی؛ حزب مؤتلفه اسلامی

صفحه ۲

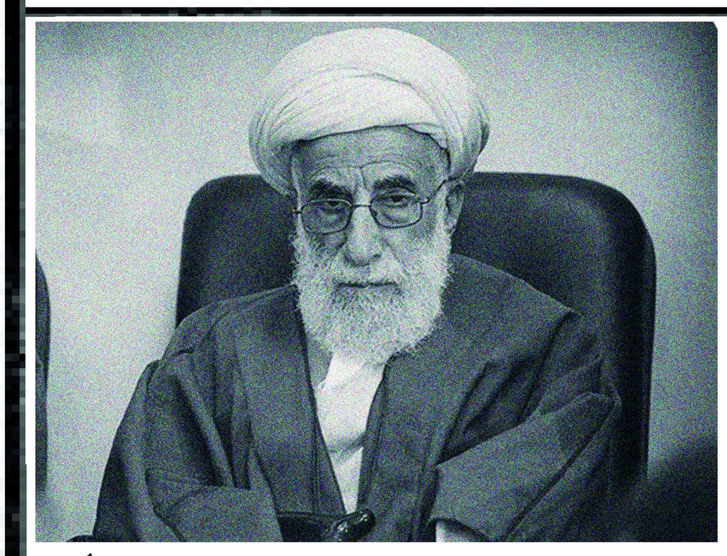

شیخِ شورا

صفحه ۳

ردّ صلاحیت‌ها!؟

صفحه ۳

یک ماه، شیش جیبِ خاکی

صفحه ۱

یک ماه، شیش‌جیبِ خاکی

محمد حسن شهپری / یکی از جانبازهای دفاع‌مقدس می‌گفت همهٔ مشکلات ما از وقتی شروع شد که شش‌جیب‌پوش‌های ما کت‌وشلواری شدند.

شش‌جیب‌پوش اگر کت‌وشلواری شود در متن ایراد ندارد اما یک فرامتن خطرناک همواره در کمین است. آن هم اینکه دیگر میدان عمل خود را صحنهٔ جهاد نبیند. فکر کند اداره است و ثوابش هم به حساب بانکی‌اش کارت به کارت می‌کنند. بشین پاشویش به جای رمل‌های فکه روی صندلی سبز بهارستان شود و فریادش به جای آرامش دشمن، چرت پدر خسته را که پای اخبار خوابش برده پاره کند.

همین رزمنده‌های اتوکشیدهٔمان اما هر از چندگاهی- دقیقا هر سه سال و یازده ماه یکبار- از غیبت صغری بیرون می‌آیند و سری به صندوقچهٔ ته انباری می‌زنند تا لباس‌فرم‌انتخاباتی‌شان را به تن کنند. همان شلوارشش‌جیب خاک و خل گرفته که .تحت حفاظت بوده که مبادا ذره‌ای از خاکش تکانده شود

آخر حضور در میان مردم آن هم با آن تیپ و قیافه قطعاً برایشان وصال به ساحل آرامش را به ارمغان خواهد آورد تا در پرتوَش کمی استراحت کنند و قیلولهٔ بعد از صبحانه را در صحن علنی به جای آورند؛ ولو نیاز باشد یک ماهی این سو و آن سو کمی عضلهٔ حنجره خراش دهند و مورد سؤال قرار گیرند. سؤالاتی که پاسخشان اما در حیطهٔ کاری بزرگواران نمی‌گنجد و مربوط به اندیشکده‌های وابسته به مجلس است.

از جنس مردم بودن مؤخر مسئولیت نیست؛ مقدم آن است. با حضورهای فرمایشی و موقتی یک ماهه هم حاصل نمی‌شود. باید از جوانی و نوجوانی با درد خو گرفته باشی. باید بی‌تاب باشی.

درست است بی‌تابی خیلی وقت است در این مسئول های قلابی نمود ندارد اما ما چریکمان را فراموش نمی‌کنیم. مرد تاس عینکی. کت‌وشلوارپوش صبح‌ها و اسلحه‌به‌دوش شبها. ما فراموش نمی‌کنیم زمانی را که صندلی چرم مجلس و زین موتور تفاوتی نداشت.

آقایان! ما دانشجویان وقتی روی صندلی های چوبی این دانشگاه می‌نشینیم، هنوز صدای چمران دانشجو را می‌شنویم. همان صدا هم تا کنون شما را برایمان قابَل تحمل کرده. اما ظاهراً شما در کاخ هرمی‌تان دیگر صدای فریادهای چمران نماینده را نمی‌شنوید و همین هم ما را برایتان غیرقابل‌تحمل کرَده.

اما آخرالکلام. کرسی نمایندگی مجلس مدیر نمی‌خواهد، آدم جریان ساز می‌خواهد. کسی که از حلقه‌های پیرامونش فراتر می‌رود و با اقشار مختلف جامعه ارتباط مستمر دارد. پروژه جلو می‌برد، اما نه با تیم خودش که با بدنهٔ جامعه. مشارکت اجتماعی را در بیانات و اسناد نمی‌جوید بلکه در مؤثر ساختن مردم، محقق می‌کند. اما حیف که مردم برای اکثر شما به اندازهٔ انگشت‌های رنگی روز انتخابات معنا شده‌اند. قدر مردم این نیست، قدر مردم را بشناسید و رعایت کنید. آن‌موقع دیگر نیازی هم به این تئاترهای سخیف انتخاباتی ندارید، همه چیز شفاف می‌شود.

من هم بازی!!!

نوید شفیعی / هر انتخاباتی در هر دورانی اهمیت خاص خودش را دارد. به طور مثال انتخابات مجلس شورای اسلامی که حدود یک ماه و نیم به اجرای آن مانده است از جهات مختلفی حائز اهمیت است. برای مثال اگر دولت سیزدهم با یک مجلس کارآمد و به‌روز همراه باشد طبعاً اثرگذاری‌اش چند برابر می‌شود. دولت سیزدهم با توجه به اینکه قراردادهایی همچون بریکس، شانگهای و قراردادهای اقتصادی دیگری با کشورهای همسایه و منطقه دارد، نیازمند مجلسی هوشمند است تا بتواند در راستای ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی در کشور عمل کند. اما فارغ از این مسئله، یکی دیگر از انتخابات‌هایی که برگزار خواهد شد، انتخابات مجلس خبرگان است. این انتخابات در نسبت با انتخابات اسبق حواشی زیادی داشته است. حسن روحانی رئیس جمهور دولت یازدهم و دوازدهم، برای این انتخابات کاندید شده است. اما سؤال اینجاست که به غیر از این شخص، نام کدام یک از کاندیداهای دیگر را شنیده‌اید؟ حسن روحانی مصاحبه‌ها، گفت‌وگوها و نشست‌هایی قبل از این انتخابات انجام داد و همچنان ادامه دارد. حال آنکه اگر نگاهی به ماه‌های قبل از این انتخابات بیندازیم، با سکوتی سنگین از سمت این فرد مواجه هستیم. در واقع به نظر می‌رسد که این فرد بعد از تمام شدن مسئولیت ریاست جمهوری‌اش و عمل نشدن به وعده‌هایی همچون برجام و همچنین کشاندن کشور به وضعیت بحرانی در آبان ۹۸ کاری جز سکوت نمی‌توانست بکند. بعد از سکوت دوساله، در ابتدا اقدام به انتقاد شدید از دولت سیزدهم کرد. از اعتراض به طرح‌هایی که دولت سیزدهم افتتاح می‌کند تا اقداماتی دیگر. به طور مثال مشاور حسن روحانی بعد از افتتاح فرودگاه سقز در کردستان اظهار کرد که این فرودگاه در دوره حسن روحانی افتتاح شده است. حال آنکه این فرودگاه تا قبل از افتتاح در دولت سیزدهم نه برج مراقبت داشت و نه قابلیت پرواز و فرود هواپیما. در نزدیکی انتخابات نیز با طرح مسئله‌هایی در رابطه با مقام معظم رهبری تیر نهایی برای دیده شدن را زد. اما هدف از این اقدامات چه بود؟ با اظهار نظر در خصوص رهبری تلاشی برای برانگیختن قشر حزب اللهی را کرد تا اگر رد صلاحیت شد بگوید این قشر با تحت فشار قرار دادن شورای نگهبان باعث شدند تا رد صلاحیتم کنند. اگر هم رد صلاحیت نشد، بگوید اینکه این قشر این صحبت‌ها را راجع به من می‌کنند صحت ندارد. این سطح از تلاش حسن روحانی برای نشان دادن خود و تلاش برای دیده شدن و حضور در مقابل چشمان مردم نشان از به حاشیه رفتن این فرد و همچنین چنگ زدن به افکار عمومی و مردم است تا شاید مردم با پروپاگاندای رسانه‌ایش، خیانت‌ها و سهل‌انگاری‌هایی که داشته است را از یاد ببرند و دوباره بعد سیاسی خود را پررنگ کند.

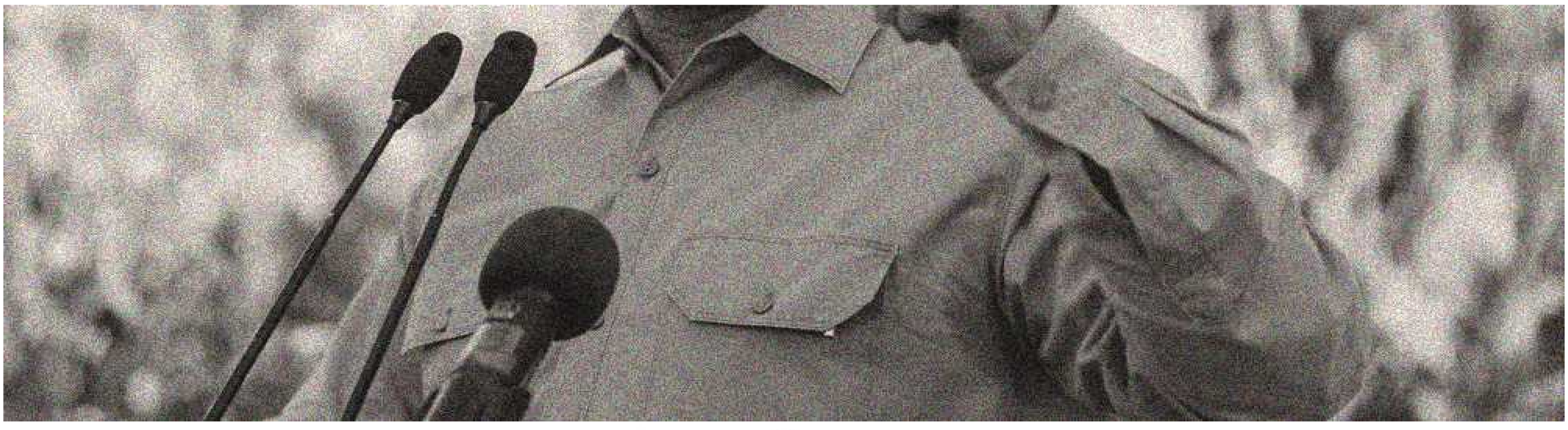

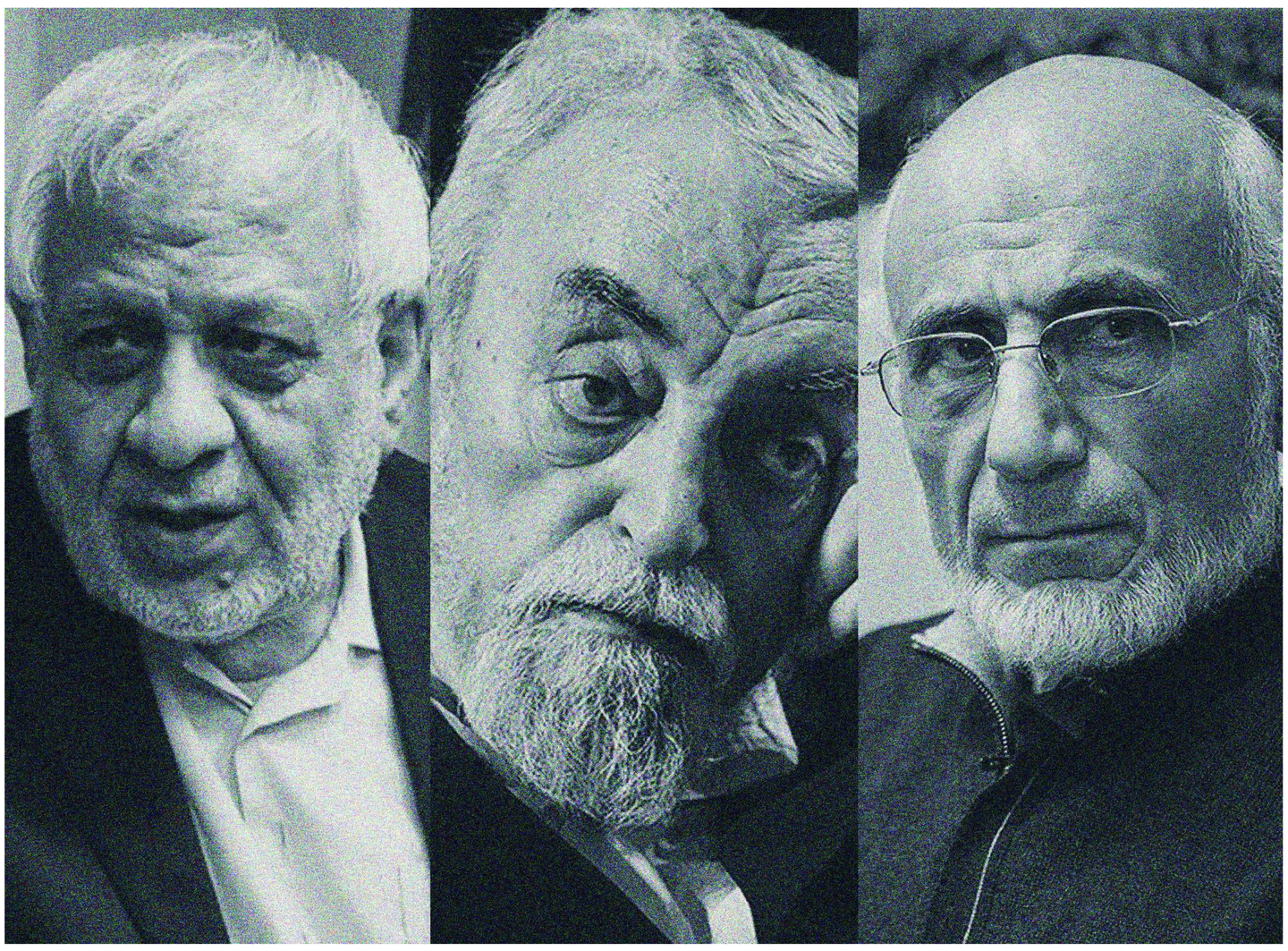

حسنا فارسی / پس از اینکه در سال ۱۳۴۰ آیت‌الله بروجردی فوت کرد، انسجام و وحدت رویه‌ای که در حوزه، بعد رضاخان ایجاد شده بود به هم ریخت و در واقع سه گروه به طور جدی از این مسئله آسیب دیدند که عبارتند از گروه هیئت مؤید که این گروه از زمان نهضت ملی شدن نفت انسجام یافتند و بیشتر به تفکرات آیت‌الله کاشانی تمایل داشتند، مسجد شیخ علی، گروهی که به تفکرات فدائیان نزدیک بودند ولی معتقد به فقاهت بوده و با مسائل از چهارچوب قانون اساسی مواجه می‌شدند و نهایتا گروه هیئت اصفهانی‌ها. این سه گروه زیرساخت فکری تشکیلات مؤتلفهٔ اسلامی را تشکیل می‌دادند. بعد از اینکه امام خمینی (ره) نسبت به موضوع انجمن‌های ایالتی و ولایتی معترض شدند، توجه این سه گروه به امام خمینی(ره) جلب شد و فهمیدند که آن رهبری که پس از آیت‌الله بروجردی به دنبال آن بودند امام خمینی است، که با توصیهٔ خود امام، این سه گروه با هم ائتلافی تشکیل دادند. کارکرد گروه غیر رسمی مؤتلفه در آن دوره، پخش اعلامیه‌های امام، برگزاری تجمع و میتینگ‌های سیاسی بود. امام از همان ابتدای امر، راهنمایی‌های تشکیلاتی‌ای به این جریان داشتند: اول اینکه امر به معروف و نهی از منکر، ''امر'' به معروف است نه خواهش به معروف، پس مستلزم تشکیلات دقیق و منسجم است، دوم اینکه برادریابی کنید، نه عضوگیری و سوم جمعتان را به گروه‌ها و شبکه‌های ده نفره تقسیم کنید تا به دام نیروهای رژیم پهلوی نیفتید. پس بر این اساس بود که اخبار و اطلاعات توسط سر شبکه‌ها، به زیرشبکه‌ها داده می‌شد که این سبک از تشکیلات پیامد و کارکردهایی همچون اطلاع‌رسانی‌های سریع به تهران و شهرستان‌های اطراف داشت. برای مثال آنها در برنامه‌ریزی و پیشبرد راهپیمایی ۱۵ خرداد نقش مهمی ایفا کردند.حال باید به علت تغییر رویهٔ این حزب بپردازیم که در توضیح باید گفت بعد از دستگیری مجدد امام، بعد از سخنرانی‌شان درمورد کاپیتولاسیون، عدهٔ زیادی از اعضای حزب مؤتلفه یعنی افرادی مثل شهید رجایی، شهید باهنر، جلال‌الدین فارسی و... دستگیر شدند که این اتفاق اعضای آن را به این فکر واداشت که بهتر است فعالیت‌های گروه را در قالب و پوششی مخفیانه‌تر از گذشته پیش ببرند که با همین هدف اصطلاحاً مؤتلفه دوم راه افتاد و مدرسهٔ رفاه تأسیس شد. یکی از شبهاتی که در مورد مؤتلفه مطرح می‌شود این است که این حزب از ابتدای امر، نسبت به امام خمینی (ره) تمایل بیشتری به آیت‌الله میلانی داشتند، چرا که حکم ترور حسنعلی منصور را از ایشان دریافت کردند اما نکته اینجاست که در آن مقطع امام خمینی در تبعید به سر می‌بردند و گرفتن این حکم از ایشان میسر نبوده است. برای بررسی نقش این حزب پس از انقلاب باید گفت، گروه مذکور، تشکیلات استقبال از امام را به راه انداختند، با حفظ وحدت خود در حزب جمهوری به مشارکت پرداختند و در واقع پس از ۲۲ بهمن ۵۷ به یکی از ارکان اصلی نظام تبدیل شدند. به طور دقیق‌تر می‌توان نقش این حزب را در مجالس شورای اسلامی بررسی کرد. در مجلس اول این جریان به یک فهرست ائتلافی می‌رسند که در نهایت ۸۵ کرسی در مجلس یعنی حدود یک‌سوم جمعیت را به دست می‌آورند. هرچند آن انسجام درونی‌ای که این حزب داشت به زودی به شکافی منجر شد که باعث شد مؤتلفه از سال ۶۰ به بعد از معادلات کنار گذاشته شده و حزب جمهوری صدای غالب فضای سیاسی کشور شود اما در مجلس چهارم این حزب دوباره به عرصه سیاسی فعال کشور بازگشت و در مجلس پنجم از آنجا که مجلس کاملاً به دست این تیم و همسویانش بود، اقتدار زیادی کسب کرد. اما نکته‌ای که نباید ناگفته بماند این است که در همین مدت درگیری و اختلافات بین کارگزاران و اصطلاحاً سنتی‌ها بالا می‌گیرد و پس از آن دوره‌ای آغاز می‌شود که ادبیات عمومی کشور تغییر کرد و اصلاح‌طلبان گرایش خود به اختلاف، درگیری و بحث و جدل را نمایان کردند. در نهایت در سال ۸۲ مؤتلفه، به طور رسمی از هیئت مؤتلفه به حزب مؤتلفه، تغییر نام داد. مؤتلفه از این پس سیاست ارتباط‌گیری‌های گستردهٔ بین‌المللی را وارد دستور کار کرد، مثل حزب کمونیست چین، آفریقا و... و همچنین به طور رسمی، در راستای همان سبک تشکیلات شبکه‌ای، اقدام به تأسیس دفترهایی در شهرستان‌ها کرد. باید اشاره داشت که در مجلس یازدهم برخی از افرادی که در مؤتلفه سابقه داشتند، رد صلاحیت شدند اما دبیر این حزب تصریح کرد که هیچ اعتراضی به این ردصلاحیت‌ها نداشته و به دنبال آن همراه با سایر گروه‌های اصولگرا در لیست وحدت شرکت داشت و روند آن مختل نشد. در حال حاضر و در آستانهٔ انتخابات مجلس دوازدهم، این حزب به گفتهٔ مصطفی میرسلیم، رئیس شورای مرکزی مؤتلفه، باز هم همچون دور قبل به دنبال ائتلاف و دادن لیست وحدت با سایر طیف‌های اصولگراست، هرچند اگر مجبور بشود لیست مستقل خود را خواهد داشت. همچنین بادامچیان، دبیر کل این حزب، درمورد ائتلاف با سایر گروه‌ها معتقد است که وجود این شوراها و گروه‌ها در عالم سیاسی طبیعی است ولی شرایط و زمان و مکان متفاوت است و گاهی ممکن است گروه‌ها دور هم جمع شوند و گاهی هم باهم به رقابت بپردازند. طبق گفتهٔ بادامچیان، مؤتلفه در دور دوازدهم مجلس شورای اسلامی به دنبال مجلس «تحول و تکامل» است و تلاش می‌کند نمایندگانی را وارد مجلس کند که زمان‌شناس، تحول‌گرا و تحول‌شناس باشند.

حزب مؤتلفهٔ اسلامی

رد با صلاحیت‌ها!؟

امیرحسین قدمی / بحث درباره چگونگی و الزام یا عدم الزام نظارت استصوابی یکی از مسائلی است که در برهه‌هایی که کشور درگیر انتخابات می‌شود مطرح می‌شود. نظارت استصوابی توسط شورای نگهبان شامل نظارت بر تعیین صلاحیت نامزدهای انتخابات و سپس نظارت بر چگونگی اجرای انتخابات می‌شود. هر دو بخش این مهم در اوقاتی می‌تواند جنجال‌آفرین باشد؛ بخش اول در موقف احراز صلاحیت‌ها و بخش دوم بعد از اعلام نتایج انتخابات مانند اتفاقاتی که منجر به رخ دادن فتنه سبز در سال ۸۸ شد. اکنون اما در موعد احراز صلاحیت‌های انتخابات مجلس دوازدهم قرار داریم که بدون شک به واسطهٔ شرایط داخلی و بین‌المللی یکی از مهم ترین انتخابات‌های تاریخ جمهوری اسلامی است. آمار و ارقام نشان می‌دهد که روند احراز صلاحیت نامزدها در انتخابات‌های مختلف تاثیری مستقیم بر میزان مشارکت آحاد ملت دارد. در روند تأیید یا عدم تأیید صلاحیت نامزدهای انتخاباتی قطعاً ملاک‌هایی مد نظر نهادهای مربوطه می‌باشد منتها یکی از اصلی ترین ایرادات این موضوع این است که این ملاک‌ها فرد به فرد ممکن است متفاوت باشد و از سمت دیگر گاهی اوقات عدم اعلام عمومی نتیجه این روند به دلایل مختلف مانند حفظ آبروی افراد، مصلحت نظام و ... موجب جنجال آفرینی تعدادی از افراد می‌شود. از شورای نگهبان به عنوان یکی از اجزای قوهٔ عاقلهٔ نظام انتظار میرود تا با بازنگری در روند احراز صلاحیت‌ها و اعلام صریح آنها درصد این خطاها را به حداقل ممکن برساند. طبیعی است که در روند کاری شورای نگهبان خودی و ناخودی نباید معنایی داشته باشد و همهٔ گروه‌های سیاسی در برابر قانون سهمی یکسان داشته باشند و هر کس که به هر دلیلی از نظر شورای نگهبان شایستگی نمایندگی ملت غیور ایران را در مجلس شورای اسلامی نداشت، اگر شروع به جنجال آفرینی کرد شورای به صورت صریح و شفاف اعلام کند که دلایل رد صلاحیت آن شخص چه بوده است.

شیخِ شورا

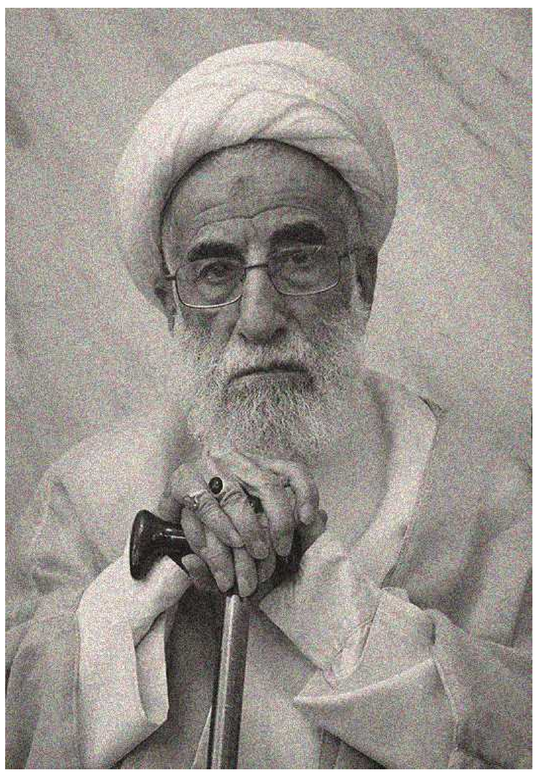

سیده زهرا سعادت / آیت الله احمد جنتی از شروع انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ بعنوان یکی از چهره‌های سیاسی حکومت جمهوری اسلامی شناخته می‌شود. اگرچه مسئولیت‌های سیاسی آیت‌الله جنتی، عضویت و ریاست در مجلس خبرگان رهبری، عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضویت در ستاد امر به معروف و نهی از منکر، عضویت در شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و ... را شامل می شود اما آنچه او را بعنوان یک شخصیت سیاسی تاثیر گذار در جمهوری اسلامی شاخص کرده است، دبیری شورای نگهبان است. احمد جنتی از سال ۱۳۵۹ و شروع به کار شورای نگهبان از طرف امام خمینی(ره) بعنوان یکی از فقهای این شورا منصوب شد و از سال ۱۳۷۱ تا کنون سمت دبیری این شورا را یدک می‌کشد.

یکی از فرزندان او به نام حسین، پس از اعلام حمله‌های مسلحانه سازمان مجاهدین خلق علیه جمهوری اسلام به حمایت از این سازمان پرداخت و نهایتاً در سال ۱۳۶۱ و پس از حمله‌ی سپاه پاسداران به گروهک منافقین کشته شد. فرزند دیگر او علی نیز، علیرغم داشتن مسئولیت‌های متعدد در نظام جمهوری اسلامی که آخرین آنها وزیر فرهنگ و ارشاد دولت روحانی بود، بعنوان یکی از منتقدین جدی خط مشی سیاسی پدر شناخته می‌شود.

عده‌ای احمد جنتی را فردی نزدیک به جریانات اصولگرایی می‌دانند اما به نظر می‌آید که آیت‌الله جنتی را می‌توان مصداق فردی مستقل از جریانات و احزاب سیاسی کشور دانست. او هیچ‌گاه در انتخابات‌های خبرگان وارد لیست‌های احزاب چپ و راست کشور نشده و مستقل‌بودن خود را در تصمیم‌گیری‌ها و آرای صادرشده از سوی شورای نگهبان به وضوح در معرض نمایش گذاشته است.

در سالیان اخیر انتقادات به شخص آیت‌الله جنتی و جایگاه شورای نگهبان شدت گرفته است که به نظر نگارنده این انتقادات از دو منظر قابل بررسی می‌باشد. اول آنکه اگر جایگاه شورای نگهبان را بعنوان یکی از ارکان نظام جمهوری اسلامی طبق قانون اساسی بپذیریم، می‌توان گفت آیت‌الله جنتی در رأس این شورا هیچگاه از قانون و اصول عدول نکرده و یا حداقل به ندرت مواردی را می‌توان نام برد.

منظر دوم نیز به عدم وابستگی او به جریانات سیاسی باز می‌گردد. وقتی فردی در جایگاه سیاسی احمد جنتی به هیچ یک از دو جناح مطرح سیاسی کشور باج ندهد و افراد وابسته به هر دو جناح و همچنین تصمیمات اتخاذ شده از سوی مجالس وابسته به اصول گرایان و اصلاح طلبان از نظارت دقیق شورای نگهبان در امان نباشند، این حجم از انتقادات و هجمه‌های همه جانبه به شخص و جایگاه جنتی نیز تعجب آور نمی‌باشد.

در نهایت باید بیان داشت که علی‌رغم انتقادات وارده از سوی جریانات مختلف که گاهاً جای تأمل نیز دارد، کارنامهٔ آیت‌الله جنتی به عنوان دبیر چندین سالهٔ شورای نگهبان، کارنامه‌ای قابل دفاع می‌باشد که بررسی تفصیلی آن نیاز به مجالی دیگر دارد.